



• درآمد

سیدمحمدصادق حسینی، نویسنده نامدار و تحلیلگر مسائل خاورمیانه و ایران سالیان متمادی از عمر خود را در اوایل شکل گیری حزب الله در بیروت پایتخت لبنان گذرانده است. او از رهبران جنبش های اسلامی و ملی منطقه به ویژه حزب الله و مقاومت لبنان و فلسطین و نیز از شخصیت های سیاسی و فرهنگی جهان اسلام شناخت کافی دارد. شاهد یاران این فرصت را مغتنم شمرده و نقطه نظرات ایشان درباره زندگی و مجاهدت های شهید بزرگ سیدعباس موسوی را از نظر تان می گذرانند:

■ گفت و گوی شاهد یاران با سیدمحمد صادق حسینی  
کارشناس امور خاورمیانه

## اوارزش ها و مفاهیم عالی انسانی را تجلی بخشید...

هم می تواند در جمع مردم باشد، و هم می تواند بخشی از یک جنبش سیاسی باشد. مانند جنبشی که چند سال بعد به یک حزب بزرگ سیاسی (حزب الله) تبدیل شد که علاوه بر خدمت به مردم از سرزمین لبنان نیز در برابر تجاوزگران دشمن صهیونیستی دفاع می کند. پس از تصدی مسئولیت دبیرکلی حزب الله آیا این راه و روش را ادامه داد؟

شکی در آن نیست. او پس از انتخاب به دبیرکلی حزب الله، یک نوع تحول کیفی در راهکارهای حزب الله و جنبش مقاومت اسلامی به وجود آورد. من رفتارها و راهکارهای شهید سیدعباس موسوی را مانند رفتارها و راهکارهای شهید آیت الله سیدمحمدباقر صدر می دانم. آیت الله صدر قبل از شهادت، یاران و کادرهای جنبش اسلامی عراق را مخاطب قرار داد و به آنان توصیه کرد که «در اندیشه و رفتار امام خمینی (ره) ذوب شوید، آن گونه که ایشان در اسلام ذوب شده است». هنگامی که سیدعباس مسئولیت رهبری حزب الله را بر عهده گرفت، در امت حزب الله ذوب شد. همه تلاش و زندگی خود را وقف پیشبرد اهداف حزب الله کرد. خود و زندگی خود را به تمام معنی در مأموریت های جهاد ذوب کرد. به بازسازی و پویایی و نوآوری تشکیلات حزب الله پرداخت. چرا که حزب الله پیش از ایشان از پراکندگی و نابسامانی در ساختار درونی رنج می برد. ایشان به منظور بهبود نابسامانی های درونی حزب الله از توانمندی و قاطعیت و صلابت خود بهره گرفت. در نتیجه این راهکارها، همه جناح ها و دسته بندی های مبارز و پیکارجوی حزب الله و همه گردان های رزمی مقاومت، یکپارچه شدند.

نداده و هیچ اقدامی برای محرومیت زدایی از این منطقه به عمل نیاورده بود. مردم این منطقه از کمترین حقوق طبیعی محروم بودند. اصولا دولت و سیاستمداران حاکم بر لبنان مردم بقاع را در عقب ماندگی سیاسی و اقتصادی و فرهنگی نگه داشته بودند. در آن شرایط

آنچه که در مکتب شهید صدر در حوزه علمیه نجف اشرف آموخت و در لبنان آن را گسترش داد، پرهیز از گروه گرایی بود. سیدعباس به محض انتخاب به عنوان دبیرکل حزب الله، با گروه گرایی در درون حزب الله به مقابله برخاست. چرا که حزب الله پیش از انتخاب سیدعباس تا حدودی از گروه گرایی و پراکنده کاری رنج می برد

سخت و طاقت فرسا که لبنان در آن دست و پنجه نرم می کرد، سیدعباس موسوی می کوشید از خواسته ها و آرمان های مردم محروم بقاع دفاع کند و زندگی آنان را بهبود ببخشد. به هر حال برای صاحب نظران و همه افرادی که سیدعباس را می شناختند روشن شده بود که ایشان مردی پاک و خود ساخته بود. هنگامی که سیدعباس به دبیرکلی حزب الله برگزیده شد، این ارزش ها و مفاهیم انسانی را تجلی بخشید. به مردم آموخت که یک انسان پاک و سالم با رفتار و کردار خود،

به طور خلاصه چه زمانی با شهید سیدعباس موسوی آشنا شدید و دیدگاه های شما نسبت به مبارزات ایشان چیست؟

بسم الله الرحمن الرحیم: سخن گفتن درباره شهید عباس موسوی (ابو یاسر) دبیرکل پیشین حزب الله لبنان، سخن گفتن از عرفان و ارزش های الوالی اسلامی و انسانی است. با ایشان پیش از این که مسئولیت دبیرکلی حزب الله را بر عهده گیرد در شهر بعلبک در منطقه بقاع لبنان آشنا شدم. او را از مردان فعال و با صلابت و قاطعیت یافتم. از اعتقادات و اصول و باورهای خود با قدرت دفاع می کرد. به رغم داشتن همه این ویژگی ها اما، ایشان یک شهروند معمولی و بسیار فروتن بود. سیدعباس را مانند مسلمانان صدر اسلام یافتم که همواره میان مردم حضور داشتند و به مشکلات آنان رسیدگی می کردند. ایشان به تمام معنا پیرو واقعی سنت رسول اکرم (ص) بود. همان گونه که در حدیث شریف آمده است «پیامبر مانند شهروندان عادی در کوچه و بازار راه می رود و در کنار مردم غذا می خورد».

شهید سیدعباس موسوی در عین حال که مرد جهاد و مبارزه بود و می کوشید امت حزب الله را به وجود بیاورد. در همان حال به مردم و جامعه خدمت می کرد و به زندگی آنان نشاط و پویایی می بخشید. سعی داشت میان مردم باشد و زندگی آنان را بهبود ببخشد. می کوشید محرومیت ها و کمبودها و درد و رنج های آنان را برطرف کند. چرا که او نیز از درون یک خانواده محروم و از درون جامعه محروم برخاسته بود. ایشان دردها، رنج ها و محرومیت های مردم بقاع را شناخته بود. چرا که دولت لبنان هیچ کار مثبتی برای مردم محروم این منطقه انجام



می‌کوشید با رژیم صهیونیستی قرار داد صلح امضا کند. دیری نپایید که این خواسته تحقق یافت اما، نیروهای اسلامی لبنان سه سال بعد آن را لغو کردند. در برابر مارونیت سیاسی، جریان دیگری وجود داشت که تئوری ضرورت بازگشت به امت اسلامی و عربی را مطرح می‌کرد. در آن شرایط سخت، آن دسته از پیشوایانی که هسته اولیه حزب‌الله را به وجود آورده بودند، کوشیدند لبنان را از چنگ باقی مانده‌های مارونیت سیاسی نجات دهند و این کشور را به آغوش امت عرب و مسلمان بازگردانند. مارونیت سیاسی حاکم بر لبنان هیچ وقت به طایفه مارونی محدود نبوده است. افراد و جریان‌ها بسیاری از طوایف گوناگون لبنان با این جریان هم‌فکر و هم‌گام بودند. در برخی مراحل تاریخی بسیاری از نمایندگان و شخصیت‌های شیعه و سنی و مسیحی زیر چتر مارونیت سیاسی قرار گرفته بوده و مارونیت سیاسی نیز به نوبه خود در آغوش غرب پناه گرفته و دستورات دولت‌های غربی را در لبنان اجرا می‌کرد.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، به رهبری امام خمینی (ره) ارزش‌ها و گرایش‌های اسلامی در جهان عرب و جهان اسلام گسترش یافته و به پیشگامان و بنیانگذاران حزب‌الله انگیزه داد تا پیکار بر ضد اشغالگران صهیونیست و غرب‌زدگان محلی را آغاز کنند. این پیشگامان بی‌درنگ توطئه‌های استکبار جهانی و ابعاد آن را شناختند. در عین حال این مسئله را درک کردند که انقلاب اسلامی ایران به هويت اسلام قدرت و اصالت بخشیده و موازنه جدیدی در جهان و منطقه به وجود آورده است. چرا که این موازنه در نتیجه امضای معاهده کمب دیوید و خروج مصر از میدان رویارویی اعراب با اسرائیل از بین رفته بود. پیشگامان حزب‌الله در مدت کوتاهی توانستند فرهنگ مقاومت را در لبنان و منطقه گسترش دهند و آن را به عنوان یک جریان اصلی به ملت‌های عرب و مسلمان بقبولانند.

بنابر این شهید سیدعباس موسوی و باران و هم‌فکران ایشان تئوری وابستگی به امت را مطرح کردند. این گروه از پیشوایان اعلام کردند که ما لبنانی هستیم و به هويت امت اسلامی و عربی مان افتخار می‌کنیم. وظیفه داریم از خاک و هويت ملی مان دفاع کنیم. آیا پیشگامان و پیشوایان حزب‌الله که از منوی جدید ارائه کردند، از تجربیات برخی جنبش‌های اسلامی و

پایان یافت و این یکی از الطاف و عنایات الهی به حزب‌الله و امت حزب‌الله و مردم لبنان به ویژه تشکیلات نظامی مقاومت اسلامی بود. چرا که اگر این کشمکش‌ها و اختلافات درونی توسط مردی همچون سیدعباس موسوی بر طرف نمی‌شد، امروزه شاهد ساختار پولادین و شکست‌ناپذیر جنبش مقاومت اسلامی نبودیم. امروزه کشمکش‌های سیاسی لبنان و تحولات منطقه و فشارهای بین‌المللی هیچ

تأثیری بر پیکر شکست‌ناپذیر مقاومت ندارد.

**اگر امکان دارد بیشتر توضیح دهید که شهید سیدعباس موسوی چگونه می‌اندیشید و چگونه عمل می‌کرد؟**  
شکی نیست که سید به شیوه استاد خود، شهید آیت‌الله سیدمحمدباقر صدر می‌اندیشید. ایشان همواره به هواداران و دوستان خود توصیه می‌کرد که در مکتب امام خمینی (ره) ذوب شوند. از همه کادرهای حزب‌الله تقاضا می‌کرد تا در اسلام ناب محمدی، و در خط امام خمینی (ره) ذوب شوند. سیدعباس مکتب امام خمینی (ره) را تنها به جنبش اسلامی محدود نمی‌دانست بلکه، متعلق به همه مستضعفان جهان می‌دانست. ایشان فراتر از ملیت‌ها و طوایف و فرق و احزاب گوناگون نگاه می‌کرد، دور نمای جهان‌بینی او بسیار وسیع و گسترده بود، و در راه تحقق آرمان همه مستضعفان جهان گام برمی‌داشت. همان‌گونه که بیشتر به آن اشاره کردم سیدعباس هدیه الهی به مستضعفان جهان بود. در ابتدای تأسیس حزب‌الله، لبنان در شرایط سختی قرار داشت، اسرائیل و نیروهای چند ملیتی لبنان را اشغال کرده و بیشتر احزاب و جنبش‌های سیاسی تسلیم شده بودند. این دسته افرادی که حزب‌الله را به وجود آوردند با چه آمیدی به چنین حرکتی دست زدند؟

این یکی از نکات بسیار مهم است. در آن مرحله ما شاهد سرنوشتی مارونیت سیاسی حاکم بر لبنان بوده‌ایم. این جریان به کلی در آغوش غرب قرار داشت و



**اگر رهبران و پیشگامان حزب‌الله در جهان بینیشان دورنگر نبودند و به منافع و امتیازهای مقطعی و زودگذر می‌اندیشید و یا خود را درون لاک طایفه شیعه محصور و محدود نگه می‌داشتند، هرگز نمی‌توانستند از همه این تجربیات بهره‌برداری کنند، و این تجربیات را ملاک راه و عمل خود قرار دهند.**

در دوران دبیرکلی سیدعباس موسوی، حزب‌الله به یک ساختار منسجم و قوی و یکپارچه تبدیل و حزب‌الله به امت حزب‌الله تبدیل شد. همه گروه‌ها و جناح‌های درونی حزب‌الله، تمایلات و گرایش‌های پیشین خود را کنار گذاشته و به‌طور یک پارچه در حزب‌الله ذوب شدند. همان‌گونه که می‌دانید حزب‌الله از ابتدا از جریانات متفاوت و گوناگون تأسیس شده بود که بر اصل تأسیس حزب‌الله و تأسیس جنبش مقاومت اسلامی به اتفاق نظر رسیده بودند اما، برخی از این جریانات تا پیش از دبیرکلی سیدعباس موسوی در حزب‌الله، تمایلات گروهی و سیاسی و فکری پیشین خود را حفظ کرده بودند اما، هنگامی که سیدعباس به دبیرکلی حزب‌الله برگزیده شد، چنان از قدرت و قاطعیت برخوردار بود که توانست همه گرایش‌های فکری و فرهنگی جریانات اولیه تشکیل دهنده حزب‌الله را پاکسازی و حزب‌الله جدیدی را پایه‌ریزی کند که به مرور زمان استحکام یافت.

**اشاره کردید که حزب‌الله ابتدا از جریانات متفاوت به وجود آمد. آیا شهید سیدعباس موسوی هم قبل از تأسیس حزب‌الله و هنگام تحصیل علوم دینی در نجف اشرف وابستگی گروهی و سازمانی داشته‌است؟**

من مطمئنم که ایشان پیش از تأسیس حزب‌الله، به یک سازمان سیاسی بسته و یا یک حزب سیاسی دگم وابسته نبوده‌است، و این مهم‌ترین نشانه رمز موفقیت او بوده‌است. سیدعباس در پرتو مکتب شهید صدر یک فرد منظم و منضبط و از شاگردان ممتاز و نجیب و اصیل آیت‌الله شهید صدر بوده است. آنچه که در مکتب شهید صدر در حوزه علمیه نجف اشرف آموخت و در لبنان آن را گسترش داد، پرهیز از گروه‌گرایی بود. سیدعباس به محض انتخاب به عنوان دبیرکل حزب‌الله، با گروه‌گرایی در درون حزب‌الله به مقابله برخاست. چرا که حزب‌الله پیش از انتخاب سیدعباس تا حدودی از گروه‌گرایی و پراکنده‌کاری رنج می‌برد. با تصدی مسئولیت دبیرکلی حزب‌الله، همه کشمکش‌های درونی







■ سید در جمع روحانیون مسلمان لبنان.



فرود می‌آوردند. این هسته‌ها از انسجام و استحکام لازم برخوردار نبودند و دیری نپایید که از صحنه پنهان شدند. این سازمان‌های جهاد با اشغالگران به مبارزه برخاستند و اشغالگران را از میهن شان طرد کردند و این حق مشروع آنان بوده‌است. اما برای پاسخ به این پرسش که چگونه حزب‌الله از این تجربه نیز استفاده کرد باید گفت که حزب‌الله از تجربه همه جنبش‌ها و سازمان‌های مقاومت در لبنان و جهان عرب و جهان اسلام بهره‌برداری و آن را در فرهنگ خود ذخیره کرد. حزب‌الله از ابتدای تأسیس، فرا ملیتی و فرا طایفه‌ای می‌اندیشید. حصارهای حزبی و گروهی را در نوردید و به یک جنبش شایسته و با کفایت و کار آمد تبدیل شد. همه این دستاوردها به برکت راهکارها و شیوه‌های پیشگامان حزب‌الله بوده‌است. اگر رهبران و پیشگامان حزب‌الله در جهان بینی‌شان دورنگر نبودند و به منافع و امتیازهای مقطعی و زودگذر می‌اندیشید و یا خود را درون لاک طایفه شیعه محصور و محدود نگه می‌داشتند، هرگز نمی‌توانستند از همه این تجربیات بهره‌برداری کنند، و این تجربیات را مملکت راه و عمل خود قرار دهند. به عقیده من جنگ برای نجات از چنگ نیروهای چند ملیتی، بر استحکام ساختار جهادی و سیاسی حزب‌الله اثر چشمگیر داشته‌است.

علت این که حزب‌الله موجودیت خود را دو سال مخفی نگه داشت و پس از گذشت حدود دو سال این موجودیت را به صورت رسمی اعلام کرد چیست؟

ساختار حزب‌الله در ابتدا از برخی گروه‌ها و هسته‌ها و کمیته‌های مردمی پراکنده تشکیل شده بود. مسئولان این گروه‌ها و کمیته‌ها برای مدتی گردهم می‌آمدند تا پیکار و مبارزات سیاسی خود را یک پارچه و منسجم کنند و در قالب یک سازمان جدید و یک تشکل سیاسی جدید حرکت کنند. پیشگامان حزب‌الله به منظور جلوگیری از فشارها و دخالت عوامل ناخواسته و سازماندهی شایسته و بایسته کوشیدند تا تلاش خود را پنهان نگه دارند. چرا که لبنان در آن مرحله در شرایطی سخت به سر می‌برد و دشمنان از همه طرف میکوشیدند این کشور را به زانو در آورند. به همین علت پیشگامان و بنیانگذاران حزب‌الله ترجیح دادند اعلام موجودیت این جنبش را به تعویق بیندازند، تا همه گروه‌ها و هسته‌ها و کمیته‌های مردمی به نحو مطلوب در یکدیگر ادغام

تجاوزگری‌های پی در پی اسرائیل به آنان آموخت. چرا که اسرائیل را «شر مطلق» می‌دانست بنابراین، دیدگاه‌ها و راهکارهای امام موسی صدر نقش چشمگیری در مسیر حزب‌الله و حرکت مقاومت اسلامی داشت. در سال ۱۹۸۲ به موازات اشغال لبنان توسط رژیم صهیونیستی، نیروهای چند ملیتی نیز در آن کشور استقرار یافتند و دیری نپایید که همه اشغالگران با مقاومت لبنانی‌ها مواجه شدند. به نظر شما حزب‌الله چه نقشی در روبرویی با نیروهای چند ملیتی داشت؟

در این زمینه اطلاع دقیقی ندارم و نمی‌دانم چه جریانی با انجام عملیات مسلحانه نیروهای چند ملیتی را از لبنان اخراج کرد. اما به هر حال نیروهای چند ملیتی که از سربازان آمریکایی، فرانسوی، ایتالیایی و انگلیسی

**اعلام موجودیت حزب‌الله، این طرز تفکر را تقویت کرد که حزب‌الله پلی خواهد بود که جنبش‌های اسلامی و رهایی بخش منطقه را با انقلاب اسلامی ایران پیوند خواهد زد. همه مبارزان صدیق و مخلص در جهان عرب امیدوار بودند که از تجربه انقلاب اسلامی ایران بهره‌مند شوند.**

تشکیل یافته بودند بر اثر عملیات کوبنده مجاهدان لبنانی از این کشور عقب نشینی کردند.

**در آن مرحله سازمان‌هایی به سازمان مستضعفان و سازمان جهاد اسلامی بیانیه منتشر کردند و مسئولیت این عملیات را بر عهده گرفتند. سرنوشت این سازمان‌ها چه شد؟**

من معتقدم این عملیات در نتیجه خیزش انقلابی و مردمی در برابر اشغالگران صهیونیست و اشغالگران غربی بوده که از آن سوی اقیانوس‌ها به لبنان آمده بودند، تا از اسرائیل پشتیبانی کنند. در آن شرایط هسته‌های عملیاتی به صورت خود جوش و غریزی به وجود می‌آمدند و ضربات کوبنده خود را بر سر اشغالگران

### فلسطینی نیز بهره‌مند شدند؟

دقیقا همین‌طور است. این پیشگامان ضمن این که آزمون جدیدی ارائه کردند اما، از تجربیات دیگران هم بهره‌برداری کردند. شهید سیدعباس موسوی و یاران و همکاران او، ادبیات سید قطب و حسن البنا و ابو العلی مودودی و بسیاری از شخصیت‌های فکری و مبارز جهان اسلام را بررسی کرده و همه این تجربیات را غربال و یک کاسه کرده و آن را با اوضاع لبنان تطبیق دادند. در عین حال از تجربه انقلاب اسلامی ایران و رهنمودهای امام خمینی و دیگر شخصیت‌های انقلابی ایران بهره‌مند شده و آن را ملاک عمل خود قرار دادند. شکی نیست که پیشگامان جنبش حزب‌الله، تجربیات مقاومت فلسطین را بازنگری کرده و موفقیت‌ها و ناکامی‌ها و مراحل تلخ و شیرین آن را مورد بحث و بررسی قرار داده و راه‌کار جدیدی برای ملت‌های منطقه ارائه دادند.

حزب‌الله در نخستین تلاش برای سازماندهی عملیات مسلحانه و مقاومت ضد صهیونیستی، توانست مجاهد بزرگ و نستوه «حاج عماد مغنیه» را جذب تشکیلات خود کند. همان‌گونه که شنیده‌اید شهید مغنیه در دوران جوانی در حوزه‌های گوناگون فعالیت داشت. ایشان ابتدا در قالب مقاومت فلسطین پیکار می‌کرد و مدتی نیز در دفتر علامه سیدمحمدحسین فضل‌الله فعالیت داشت. اما دیری نپایید که به تشکیلات حزب‌الله پیوست و تجربیات پیشین خود را در اختیار این حزب قرار داد. بهره‌برداری شهید سیدعباس موسوی از تجربیات مقاومت فلسطین، بخشی از راهکارهای ایشان و یاران او را تشکیل می‌داد.

پیشگامان حزب‌الله پیکارشان را از صفر آغاز نکردند، آنان پیش از این در تشکیلات امام موسی صدر حضور داشتند. اما تجربه امام صدر در آن مرحله جوان بود و تازه آغاز شده بود و ساختار سازمانی و نظامی آن استحکام نیافته بود. بنابراین، پیشگامان حزب‌الله با بهره‌برداری از تجربیات همه جنبش‌های اسلامی و ملی توانستند، الگوی بی نظیر و منحصر به فردی ارائه دهند که در منطقه و جهان اسلام سابقه نداشته‌است. اکنون جنبش حزب‌الله نه فقط برای سازمان‌ها و جنبش‌های اسلامی و ملی الگو و نمونه شده که برخی از دولت‌های منطقه که از حزب‌الله پشتیبانی می‌کردند، اکنون از تجربه حزب‌الله استفاده می‌کنند، و می‌کوشند آن را ملاک راهکارهای خود قرار دهند.

**گفته شده که برخی پیشگامان و پیشوایان حزب‌الله پیش از عزیمت به حوزه علمیه نجف اشرف از کادرهای جنبش مرحومان امام موسی صدر بوده‌اند، اندیشه‌های امام صدر چه نقشی در شکوفایی اندیشه و طرز فکر این افراد داشته‌است؟**

شکی نیست که حضور امام موسی صدر در لبنان نقطه عطفی در حیات فکری و سیاسی و اجتماعی مردم این کشور را تشکیل می‌دهد. اگر خواسته باشیم تاریخ و اندیشه سیاسی طایفه شیعیان لبنان قبل از آمدن امام موسی صدر را بازبینی کنیم، با قاطعیت باید گفت که شیعیان لبنان از داشتن کیان سیاسی و اندیشه روشن و پویا محروم بودند. امام صدر یک تحول کیفی و ساختاری در طایفه شیعیان ایجاد کرد. آنان را از قالب افراد جست‌وجو گر برای کسب امتیازات و حقوق و وظایف دولتی بیرون آورد و طرح‌های سازنده و پویا در اختیارشان قرار داد. همه خواسته‌ها و آرمان‌های شیعیان را برای بازیابی حقوق‌شان نهادینه کرد. جنبش محرومان را بنیانگذاری کرد، طایفه خفته شیعیان را بیدار و به آنان انگیزه داد تا اسلحه به دست گیرند و حقوق‌شان را بازستانند. فرهنگ رزم جویی و جنگجویی را در برابر



دشمن صهیونیستی را تقویت کنند.

اعلام موجودیت حزب الله، این طرز تفکر را تقویت کرد که حزب الله پلی خواهد بود که جنبش های اسلامی و رهایی بخش منطقه را با انقلاب اسلامی ایران پیوند خواهد زد. همه مبارزان صدیقی و مخلص در جهان عرب امیدوار بودند که از تجربه انقلاب اسلامی ایران بهره مند شوند. به یاد دارم در آن لحظه های دشوار و سرنوشت ساز بسیاری از سران جنبش های اسلامی منطقه به حمایت های ایران چشم دوخته بودند. در شرایطی که رژیم صهیونیستی، بخش وسیعی از لبنان را اشغال کرده بود و بیشتر جنبش ها و احزاب سیاسی - ملی لبنان و منطقه از صحنه پنهان شده بودند، آقای سید حسین موسوی معروف به (ابو هشام) رئیس جنبش

**سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که با کارشکنی ها مواجه می شد، کوشید حضورش را در لبنان روی آموزش جوانان لبنانی و رزمندگان مقاومت متمرکز کند و در مدتی کوتاه توانست این مأموریت را به نحو مطلوب و شایسته به پایان برساند و به کشور بازگردد.**

امل اسلامی به تهران آمد و تقاضای کمک کرد. ایشان را به مقام های بلند پایه جمهوری اسلامی ایران معرفی کردم. در این ملاقات ها اندیشه تشکیل هسته های مقاومت ضد صهیونیستی را مطرح کرد. زمینه ملاقات آقای ابو هشام را با آقای هاشمی رفسنجانی فراهم کردم و آقای هاشمی این تقاضا را با امام خمینی (ره) در میان گذاشت که امام دستور دادند همه شخصیت ها و سران جنبش های رهایی بخش لبنان به نماینده ایشان در سوریه، یعنی جناب آقای علی اکبر محتشمی پور سفیر وقت جمهوری اسلامی ایران در دمشق رجوع نمایند، تا نیازهای آنان را رسیدگی و تأمین کند.

جنابعالی در آن مرحله چه نقشی در جناح اسلام

شوند. از طرف دیگر، پس از قرائت بیانیه مشهور اعلام موجودیت امت حزب الله توسط آقای سید ابراهیم الامین در یکی از مساجد منطقه الشیخ در جنوب بیروت. در برخی محافل حزب الله این بحث وجود داشت که آیا می خواهیم به صورت یک جنبش سیاسی با درهای باز به نام امت حزب الله حرکت کنیم؟ یا می خواهیم یک تشکیلات منظم و سازمان یافته حزبی بسته تأسیس کنیم؟ شاید وجود این بحث ها یکی از عوامل تعویق اعلام موجودیت حزب الله بوده باشد. چرا که راهکارها برای تأسیس یک جنبش سیاسی گسترده و یا برای تأسیس یک حزب سیاسی بسته متفاوتند.

**منظورتان این است که حزب الله در مرحله پیکار دو ساله مخفی قصد داشت تشکیلات درونی اش را مستحکم و منسجم کند تا توان بازدارندگی در برابر فشارها را داشته باشد؟**

گمان نمی کنم که عوامل مثبت و منفی خارجی در تعویق اعلام موجودیت حزب الله نقش داشته است. نه عوامل مثبت مانند پیروزی انقلاب اسلامی ایران و تجربه جنبش مقاومت فلسطین و تجربه امام موسی صدر در لبنان و تجربه آیت الله سید محمدباقر صدر در عراق بر تعویق اعلام موجودیت حزب الله نقش داشته و نه عوامل منفی مانند فشارهای بین المللی و حضور نیروهای بین المللی. ممکن است رعایت برخی مسائل امنیتی و یا مسائل اجرایی در تعویق اعلام موجودیت حزب الله نقشی تعیین کننده داشته است. به نظر می رسد، تنها عاملی که در تعویق اعلام موجودیت حزب الله نقشی اساسی داشته، تلاش برای باروری و استحکام ساختار اولیه این حزب بوده است، چرا که امکان ندارد یک حزب قدرتمند و کار آمد و مقاوم به وجود آید و بخواهد با شیوه احزاب سنتی و سازمان های سیاسی متعارف با قدرتمندترین قدرت نظامی منطقه و خطرناک ترن دشمن راهبردی بجنگد، آن گونه که سرنوشت چنین احزابی را پیش از پیدایش حزب الله دیده ایم. حزب الله نمی خواست یک حزب عاطفی و احساساتی و نا پخته باشد. لازم بود راهکارها و ساختارها و امکانات، به خوبی سنجیده شود تا خللی در آینده بروز نکند.

**جنابعالی کارشناس مسائل منطقه هستید و از برخی سازمان های اسلامی و ملی خاورمیانه شناخت دارید، کما اینکه در مراسم قرائت بیانیه اعلام موجودیت حزب الله در بیروت نیز حضور داشتید. اعلام موجودیت حزب الله را در آن شرایط چگونه تلقی کردید؟**

با وجود آنکه خود را به فرهنگ مقاومت وابسته می دانم و در کنار فرمانده بزرگ «حاج عماد مغنیه» در چارچوب انقلاب فلسطین و با دیدگاه های اسلامی پیکار می کردم اما، بیش از همه چیز به دستورات معنوی امام خمینی (ره) از زمانی که در نجف اشرف حضور داشتند، عمل می کردم. فتوای معروف امام خمینی (ره) مبنی بر لزوم پشتیبانی مالی و جانی از مبارزات مسلحانه مردم فلسطین، بسیاری از جوانان مومن و سلحشور را به پیوستن به جنبش مقاومت فلسطین تشویق می کرد. از اعلام موجودیت حزب الله در مراسم با شکوه مسجد الشیخ در جنوب بیروت چنین برداشت کردم که یک جنبش جهانی اسلامی برپا شده که همواره آرزو داشتیم چنین جنبشی برپا شود. در آن مرحله موقعیت اسلام گرایان فعال در جنبش مقاومت فلسطین بسیار تنگ و محدود بود. فراموش نشود که جریانات اسلام گرا قصد نداشتند جنبش مقاومت فلسطین را به گرایش به اسلام ترغیب کنند، چرا که از چنین امکاناتی برخوردار نبودند بلکه، می کوشیدند با طرح دیدگاه های اسلامی، روند مبارزه و پیکار مسلحانه جنبش مقاومت فلسطین بر ضد

### گرای جنبش مقاومت فلسطین داشتید؟

در آن شرایط همراه تعدادی از برادران مبارز ایرانی به انقلاب فلسطین و جنبش های اسلام گرای لبنانی پیوستم، پیش از تشکیل حزب الله، و در محورهای غزه و الخیاره در بقاع غربی نزدیک مرز فلسطین به عملیات مراقبت و گشت زنی و شناسایی پایگاه های دشمن صهیونیستی می پرداختم. این منطقه زیر اشراف حزب اتحاد لبنان به رهبری برادر مبارز عبد الرحیم مراد قرار داشت.

**در آن شرایط شهید محمد منتظری نیز گروه هایی را به لبنان اعزام کرد تا با دشمن صهیونیستی بجنگند. سرنوشت این حرکت چه بوده است؟**

متأسفانه برخی قدرت های منطقه و برخی جریانات درون انقلاب فلسطین، موافق راهکارها و اندیشه های اسلامی و فراملیتی شهید محمد منتظری نبودند. با اندیشه جهانی سازی اسلام و جهانی سازی فرهنگ مقاومت مخالفت می کردند. مقاومت را ابزار فشار و یا دستاویزی برای اعمال فشار بر دشمن صهیونیستی قرار داده بودند. به مقاومت به تمام معنا و به شکل واقعی ایمان نداشتند. به طور مثال برخی سیاستمداران سوری عرصه را بر نیروهای ایرانی در پادگانی در منطقه الزبدانی در نزدیکی مرز لبنان تنگ کرده بودند. پس از گذشت دو دهه روشن شد که این سیاستمداران بر ضد کشورشان سوریه نیز توطئه می کرده اند. در زبانی به جوانان ایرانی اجازه عزیمت به لبنان را نمی دادند، آنها را محاصره کرده و اجازه پیوستن شان به جنبش مقاومت فلسطین و جنبش نوپای اسلامی لبنان را نمی دادند. برخی رهبران جنبش فلسطین نیز نیروهای فعال ایرانی را وجه معامله قرار دادند. این در حالی است که شهید برادر خلیل الوزير (ابو جهاد) مرد شماره ۲ جنبش الفتح با سعه صدر از برادران ایرانی استقبال گرم به عمل می آورد و تصمیم داشت از داوطلبان ایرانی برای پشتیبانی از انقلاب فلسطین به نحو مطلوب استفاده کند. شهید ابو جهاد بر خلاف سایر رهبران تنگ نظر انقلاب فلسطین، فراملیتی می اندیشید.

**آیا سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نیز پس از عزیمت به سوریه و لبنان با کارشکنی و مشکلات مواجه شد؟**

سپاه به عنوان یک قدرت موازی و یا یک قدرت رقیب به منطقه اعزام نشده بود. سپاه تصمیم داشت تجربیات انقلاب اسلامی و امکانات خود را در اختیار برادران مسلمان فلسطینی و لبنانی قرار دهد. نیروهای سپاه وارد درگیری های حاشیه ای با برخی قدرت های منطقه ای نشاندند. به ویژه با آن باند سه نفره (عبد الحلیم خدام - حکمت الشهابی - غازی کنعان) که در آن برهه در سوریه و لبنان نقش کلیدی داشتند. تحولات منطقه نشان داد که این افراد نه فقط مخالف مبارزات ملت های فلسطین و لبنان بوده اند بلکه، در صدد بودند چهره

سوریه را نیز مخدوش کنند. سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که با کارشکنی ها مواجه می شد، کوشید حضورش را در لبنان روی آموزش جوانان لبنانی و رزمندگان مقاومت متمرکز کند و در مدتی کوتاه توانست این مأموریت را به نحو مطلوب و شایسته به پایان برساند و به کشور بازگردد. اکنون دستاوردها و نتیجه تلاش های چشمگیر سپاه پاسداران در قدرت شکست ناپذیر حزب الله و مقاومت اسلامی لبنان جلوه گر شده است. و این به برکت ایثار و فداکاری آن دسته از پیشگامان و بنیانگذاران حزب الله و در پیشاپیش آنها شهید سیدعباس موسوی می باشد، که ابتدا در مکتب شهید آیت الله سیدمحمدباقر صدر و سپس در مکتب امام خمینی (ره) پرورش یافته بودند. ■